



تحلیل محتوای کیفی کتب فارسی دوره ابتدایی بر مبنای مؤلفه های میراث فرهنگی

محمدجواد محمدی^۱، الناز علی پور شورباخورلو^۲، مینا کیوانی^۳، نبی الله مهرابی^۴

چکیده

مؤلفه های میراث فرهنگی و همچنین هویت ملی به صورت آشکار در برنامه های درسی و همچنین اهداف نظام آموزشی دوره های عمومی وارد شده است؛ منشا بسیاری از نگرش ها و تفکرهای انسان تصویربرداری و معنا سازی هایی است که از بدو تولد در خانه و ادامه آن در مدرسه می گیرد. بازنگری محتوای کتاب های درسی دوره ابتدایی بسترهای توجه به ابعاد متنوع هویت ملی و زمینه توجه به رشد همه جانبه دانش آموزان را فراهم آورد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل محتوای کتاب های دوره ابتدایی از لحاظ پرداختن به میراث فرهنگی صورت گرفته است. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی از نوع هدایت شده بوده است. به منظور دسترسی به اهداف پژوهش، با بررسی ادبیات موضوعی، مؤلفه های میراث فرهنگی استخراج و پس از آن با روش کیفی، کتاب های درسی دوره ابتدایی به عنوان جامعه ی آماری بررسی شد. نمونه ی پژوهش نیز کتاب های درسی فارسی (خوانداری، نوشتاری) در دوره ی ابتدایی بود.

کلمات کلیدی: میراث فرهنگی، هویت، آداب و رسوم، قهرمانان، معماری

^۱ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، آموزگار، mohammadjavad4778@gmail.com

^۲ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، آموزگار، elnazalipour1379@gmail.com

^۳ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، آموزگار، mina.key32@gmail.com

^۴ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، آموزگار، nabiollahmehrabi1377@gmail.com



مقدمه

آموزش میراث فرهنگی به عنوان یکی از کارکردهای مهم نظام آموزشی به حساب می آید. به گونه ای که دانشمندان تعلیم و تربیت معتقدند که در نظام فلسفی ایدآلیسم، اصلی ترین نقش مدرسه به عنوان نهادی اجتماعی ظاهر می شود که باید دانش آموزان را با چکیده ی سرمایه ی فرهنگی آشنا سازد؛ به طوری که دانش آموزان بتوانند این میراث فرهنگی را بشناسند، در آن سهیم شوند و به سهم خود آن را گسترش دهند. کتاب درسی از نظر فرهنگی به عنوان یک نهاد پیچیده فرهنگی و یک کانون هنجار فرست به انتظام بخشی اخلاقی و اجتماعی جامعه کمک می کند و در جهت بهبودی کیفیت زندگی و حفظ پویایی و نشاط در جامعه برای خود مسئولیت هایی قائل است. در رویکرد فلسفی رئالیسم نیز به همین وجه، توجه به میراث فرهنگی به عنوان یکی از کارکردهای مهم نظام آموزشی به حساب می آید. به گونه ای که در ادبیات مربوط به حوزه ی مطالعات برنامه ی درسی، رویکرد موضوع محوری و ماهیتگرایی در ارائه ی سرفصل های برنامه ی درسی اصلی ترین بحث را مربوط به آموزش میراث فرهنگی می دانند و دلیل اصلی توجه به میراث فرهنگی را این میدانند که میراث فرهنگی به عنوان خرد جمعی بشر انعکاس می یابد. (مهر محمدی، کیانی و خضری نژاد، ۱۳۹۴) در رویکرد تعلیم و تربیت مبتنی بر ماهیتگرایی نیز وظیفه ی اولیه ی آموزش و پرورش رسمی را پاسداری و انتقال عناصری بنیادی یا ماهوی فرهنگ بشری می دانند. با وجود اهمیت آموزش میراث فرهنگی در رویکردهای فلسفی تعلیم و تربیت، ممکن است در نگاه اول مفهوم عامیانه و توده های میراث فرهنگی به ذهن متبادر شود، در حالی که بحث از اهمیت آموزش میراث فرهنگی به عنوان یکی از اصلی ترین کارکردهای نظام آموزشی، میراث فرهنگی در معنای وسیع کلمه است و هر نوع میراث و سنتی است که به در طول تاریخ تکامل یافته و به جامعه به ارث رسیده است و میراث ملموس مثل بناها و آثار باستانی نیز نمادی از میراث فرهنگی به معنای وسیع کلمه می باشد؛ چرا که خود این میراث ملموس از آنجایی اهمیت دارد که در درون خود، هویت، سنت، آداب و رسوم و توسعه ی جوامع را نشان می دهد. بر کسی پوشیده نیست که توجه به هویت ملی در آموزش و پرورش می تواند نتایج ارزشمندی در زندگی فردی داشته و منجر به اثرات اجتماعی و فرهنگی قابل توجه ی شود که مواردی مانند تکامل فردی، خود باوری، اعتماد به نفس، همدلی، همبستگی ملی و گروهی، تعهد و مسئولیت پذیری، ترجیحات ملی، افتخار به فرهنگ خودی و مقابله با نفوذ فرهنگ بیگانه از جمله نتایج مشهود آن است. لذا لازم است نظام های آموزشی به ویژه آموزش و پرورش به عنوان مهمترین عامل توسعه پایدار از طریق یک برنامه مدون علمی به این مهم همت گمارند. یکی از اثرات مفید آموزش میراث فرهنگی، هویت بخشی به افراد جامعه است. هویت، مهمترین عامل در زندگی هر انسانی محسوب می شود که در جریان رشد فرد و فعالیت های اجتماعی او شکل می گیرد. (رضایی، رضانی فر و قیصری، ۱۳۹۴) گرچه درباره ی ابعاد و لایه های هویت، اتفاق نظر وجود ندارد از جمله هویت های فرهنگی، دینی، قومی و ملی و برخی دیگر زبان، دیانت، تاریخ، حافظه فرهنگی، جغرافیای فرهنگی و نظام اجتماعی را از مؤلفه های اساسی و مهم در شکل گیری، حفظ و تحول هویت مطرح کرده اند. به عنوان یک پدیده ی فرهنگی نیز بسیاری از ویژگی ها و مؤلفه های آن همانند خاطرات و سرزمین مشترک، فرهنگ عمومی مشترک و



زبان مشترک و از این دست موارد می باشد که مخلوق دوران مدرن نیستند؛ بلکه تاریخی و پیشامدرن هستند. یکی از جامع ترین بخش های هویت جمعی هویت ملی است که فراگیرترین و در عین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام های اجتماعی است و دارای بیشترین اهمیت به لحاظ وحدت و انسجام ملی در درون یک جامعه است. در میان هویت های اجتماعی متعدد یک فرد هویت ملی یا احساس انتساب به مجموعه افکار یا احساساتی که چهارچوب مفهومی هویت ملی را سازد از مهم ترین آن هاست. هویت، مراتب و سطوح مختلفی دارد؛ هویت فردی، هویت اجتماعی و سومین مرتبه ی هویت، هویت ملی است که عالیت ترین سطح هویتی برای هر فرد بشری به شمار می رود. هویت ملی، دریافت باورها و اعتقادات جمعی مردم یک کشور است که برگرفته از ویژگی هایی مانند گذشته ی تاریخی و فرهنگی آن مردم و فراگیرترین و مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام های اجتماعی می باشد. در حوزه ی مطالعات اجتماعی، تعاریف متفاوتی از هویت ملی ارائه شده است. هویت ملی، باز تولید و باز تفسیر دائمی ارزش ها، نهادها، خاطره ها، اسطوره ها و سنت هایی است که میراث متمایز ملت ها را تشکیل می دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو، میراث و یا عناصر فرهنگی امکانپذیر است. نظام آموزشی از دو طریق می تواند باعث شکل گیری و تقویت هویت ملی در دانش آموزان شود. برنامه درسی به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام آموزش و پرورش نقشی محوری در شکل گیری هویت ملی ایفا می کند، یکی از طریق ارائه ی میراث فرهنگی در بطن نظام آموزشی و برنامه های درسی و گنجاندن آن ها؛ به طوری که خواندن مطالب باعث افتخار کردن دانش آموزان به وجود کشور خود شود؛ که این موضوع به راحتی از طریق گنجاندن در سرفصل های درس های علوم اجتماعی، فارسی امکانپذیر خواهد بود. در حالت دوم از طریق برنامه ی درسی ضمنی است که سیاستگذاران میتوانند با توجه به انتظارات و هنجارهای نانوشته ای که برای دانش آموزان ارائه می دهند، هویت ملی را تقویت نمایند. روش اول که به طور کامل مشخص است؛ به این شکل است که سیاستگذاران برنامه ی درسی به صورت آشکار مؤلفه های میراث فرهنگی و هویت ملی را در سرفصل برنامه های درسی بگنجانند. در ارتباط با روش دوم؛ صاحب نظران برنامه ی درسی معتقدند که نظام آموزشی علاوه بر برنامه ی درسی آشکار، به تدریس و یا آموزش برنامه ی درسی ضمنی نیز مبادرت ورزند. در واقع می توان این گونه عنوان نمود که، نظام های آموزشی در شکل دهی به هویت ملی کشورها نقش بی بدیلی به عهده دارند.

بازتولید هویت ملی نیز ابتدا درون خانواده صورت می گیرد. پس از آن بخش مهمی از انتقال هویت ملی بر عهده ی سیستم آموزش و پرورش رسمی قرار دارد. (رضایی و دیگران، ۱۳۹۲) این موضوع یعنی تقویت هویت ملی در مدارس از طریق آموزش میراث فرهنگی امکانپذیر خواهد بود. در واقع اصلی ترین بعد هویت ملی همان بعد فرهنگی یا میراث فرهنگی است. به عبارتی دیگر میراث فرهنگی مشترک را می توان از مهمترین اجزای هویت ملی دانست که سبب توافق فرهنگی می شود. میراث فرهنگی شامل مجموعه ی مناسک عام، شیوه های معماری، سنت ها، اعیاد، اسطوره ها، عرف ها و فولکور می باشد. به طور کلی از طرفی با توجه به اهمیت این مسأله و از طرفی با توجه به این که مدرسه نقش بسیار مهمی در این راستا و ارتقای آن در مراحل اولیه بالاتر از آن ایفا می کند که می تواند شخصیت دانش آموز، نگرش، مهارت و نیز آگاهی آنان را بهبود بخشد و کتاب ها و مطالب درسی، به مراتب نقشی بیش از انتقال صرف اطلاعات به کودکان را بر عهده دارند. (عابدینی، منصوری و



لیاقتدار، ۱۳۹۳) لازم است محتوای موجود کتاب های درسی به عنوان مهمترین عنصر آموزش مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. اصلی ترین مؤلفه ی هویت ملی همان بعد فرهنگی است که اصطلاحاً به آن میراث فرهنگی نیز می گویند از آنجایی که آموزش میراث فرهنگی در اغلب رویکردهای تعلیم و تربیت، به عنوان یکی از کارکرد های نظام آموزشی به حساب می آید و اغلب بنیان های فلسفی تعلیم و تربیت نیز از آموزش فرهنگی به عنوان یکی از کارکردهای مهم تعلیم و تربیت یاد می کنند، و از سوی دیگر آموزش میراث فرهنگی به عنوان یک هدف واسطه ای می تواند در نقش آفرینی برای تقویت هویت ملی نیز ایفای نقش کند، لذا در پژوهش حاضر، نویسندگان برآنند تا مؤلفه های میراث فرهنگی را در کتاب درسی فارسی مورد بررسی قرار دهند.

سوالات پژوهش

کتاب های درسی دوره ی ابتدایی چه تصویری از زبان پارسی و اسطوره های ایرانی ارائه می دهند؟
 کتاب های درسی دوره ی ابتدایی چه تصویری از آداب و رسوم ایرانی ارائه می دهند؟
 کتاب های درسی دوره ی ابتدایی چه تصویری از چهره ها و قهرمانان ملی ارائه می دهند؟

پیشینه ی پژوهش

در این باره که چگونه نظام آموزشی و به طور خاص برنامه ی درسی رسمی مدارس به آموزش میراث فرهنگی می پردازد کارهای زیادی صورت گرفته است؛ اما این تحقیقات مستقیماً به آموزش میراث فرهنگی نپرداخته اند؛ بلکه به چگونگی نقش برنامه های درسی در تقویت هویت ملی پرداخته اند که در زیر به آن ها اشاره می شود.

شمشیری و نوشادی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره ی راهنمایی تحصیلی از مؤلفه های هویت ملی به این نتیجه دست یافتند که در کتب نام برده، به برخی از مؤلفه های مربوط به پدیده ی هویت ملی در حد نسبتاً مناسبی پرداخته شده است؛ که این مؤلفه ها عبارتند از بعد دینی و بعد سیاسی. این در حالی است که برخی دیگر از ابعاد هویت ملی به شدت مورد غفلت قرار گرفته اند ابعاد مذکور به ترتیب عبارتند از: هنجارهای ملی، اسطوره های ملی، خرده فرهنگهای قومی، نمادهای ملی و تعاملات بین المللی. صالحی عمران و شکیباییان (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان توجه به مؤلفه های هویت ملی در کتاب های درسی دوره ی آموزش ابتدایی به این نتیجه رسیدند که توجه متعادلی به عناصر و مؤلفه های هویت ملی نشده است. قاسمی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان همبستگی ملی در کتب درسی دوره ی ابتدایی (کتب فارسی) به این نتیجه دست یافت که میزان توجه به مقوله های هویت ملی مورد بحث در کتاب های بررسی شده در حدود ۷٪ کل محتوای کتاب ها بوده است که بخش ناچیزی را درسی تشکیل می دهد. صادق زاده و منادی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب های ادبیات فارسی و تاریخ دوره ی متوسطه رشته ی علوم انسانی به این نتیجه دست یافتند که در کتاب های درسی مورد نظر ناقص و گذرا بوده و در میان دروس صفحات و



تصاویر این کتاب ها به نمادهای هویت ملی توجه متعادلی نشده است. عزیزاده اقدام، شیرى و اوجاقلو(۱۳۸۹) در پژوهشى با عنوان نقش آموزش در ارتقاء شاخص هاى هویت ملی (بررسى موردی دانش آموزان شهر زنجان) به این نتیجه دست یافتند که میزان تعلق به هویت ملی کل دانش آموزان در مقایسه با قبل از اجرای طرح، ۱۰ درصد افزایش یافته است. لقمان نیا و خامسان(۱۳۸۹) در پژوهشى با عنوان جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران به این نتیجه دست یافتند که در اهداف تصریح شده برای نظام آموزشی ایران، هویت ملی از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست. رضایی منصوری و عابدینی بلترک(۱۳۹۰) در پژوهشى با عنوان جایگاه برنامه ی درسی دانشگاهی در تقویت هویت ملی دانشجویان به این نتیجه دست یافتند که برنامه های درسی ضمنی دانشگاه نه تنها باعث تقویت هویت ملی نمی گردند بلکه منجر به تضعیف هویت ملی می شوند.

روش پژوهش

روش پژوهش در مقاله ی حاضر، تحلیل محتوای کیفی از نوع جهت دار یا هدایت شده است. تحلیل محتوا نوعی پژوهش در علوم انسانی است که به بررسی محتوای پیام ها در سخنرانی های سیاسی، پیام های کتاب ها و نشریات برنامه های صدا و سیما و ارتباطات مربوط می شود. تحلیل محتوا یکی از مهمترین و پرکاربردترین روش های پژوهش است و به درستی می توان گفت که هر محققى به صورتی با آن سروکار دارد. هر چند تحلیل محتوا را توصیف عینی و منظم محتوای آشکار پیام ها می دانند؛ با این حال رویکرد کیفی تحلیل محتوا به دلیل توسعه ی رویکردهای پسا اثبات گرایی و کیفی رو به افزایش است؛ چرا که در رویکردهای کیفی، داده های غنی و زمینه ای به دست می آید. در واقع اهمیت به کارگیری رویکرد تحلیل محتوای کیفی در این است که به مخاطب اطلاعات غنی و همراه با جزئیات ارائه می دهد؛ در حالی که در رویکرد کمی تنها با اعداد و ارقام. سر و کار دارد و از آن جایی که توصیف وضعیت میراث فرهنگی کتاب های درسی نیازمند مطالعه ی عمیق و همراه با جزئیات است؛ مناسب ترین رویکرد، رویکرد کیفی بود. در روش تحلیل محتوای کیفی از نوع جهت دار یا هدایت شده (ژانگ و همکاران ۲۰۰۷) عنوان کردند که محقق با توجه به پیشینه ی نظری و پژوهشی موضوع، به مقوله سازی دست می زند و در نهایت با توجه به مقوله های موجود و با رویکرد کیفی به بررسی

متون می پردازد. جامعه ی آماری پژوهش، کتاب درسی فارسی دوره ی ابتدایی و نمونه ی آماری پژوهش به صورت هدفمند از نوع موارد مطلوب و شامل کتاب های فارسی(خوانداری)، فارسی(نوشتاری)، بوده است. داده ها پس از بررسی پیشینه ی پژوهش ابتدا پنج مضمون کلی برای تحلیل که شامل «زبان پارسی و اسطوره های ایرانی، نمادها و مظاهر، چهره ها و قهرمانان ملی، معماری و آداب و رسوم» در کتاب های درسی می باشند استخراج شدند. یکی از مؤلفه های مورد بررسی در پژوهش حاضر، زبان پارسی و اسطوره های ایرانی می باشد. اساطیر یا افسانه های ایران به مجموعه ی افسانه های ایرانیان اشاره می دارد. این افسانه ها ریشه ی آریایی داشته و تا میزان بسیار بالایی میان اقوام ایرانی و هندی وجه اشتراک دارد. افسانه های ایران، از یک اصل و منشا آریایی مشتق شده است. در آغاز هزارهی یکم پیش از میلاد، زرتشت اصلاحاتی را در عقاید و



در پی آن اساطیر ایرانی پدید آورد. با وجود این، در قسمت های متأخر اوستا مانند یشته ها، عقاید و باورهای پیش از زرتشت ایرانیان وارد دین شده که به عنوان منشأ و منبع شناخت اساطیر ایرانی به کار می رود. از دیگر مؤلفه های مورد بررسی؛ چهره ها و قهرمانان ملی می باشد. قهرمان از قدیمی ترین الگوهایی است که همواره محور اصلی مباحث اسطوره های است و در لغت نامه ی دهخدا به معنی وکیل و امین به کار رفت در فرهنگ معین، قهرمانی کردن در مفهوم نگهبانی کردن و محافظت کردن است، قهرمان یا پهلوان در گفتار روزانه به معنی انسانی شجاع و برجسته به کار می رود. مفهوم قهرمان در اساس مرتبط با مفهوم ایثار است. در واقع قهرمان، تجلی ایده آل های مطلق انسان است. قهرمانان به واسطه ی تأثیر به سزایی که بر افراد به خصوص رده های سنی پایین تر می گذارد، توجه ی بیشتری را می طلبند؛ چرا که برای کودک، قهرمان کسی است که در بدترین شرایط خودش را با محیط سازگار کند و قهرمان می ماند و تسلیم نمی شود. مؤلفه ی دیگر پژوهش حاضر، بررسی وضعیت معماری در کتاب های درسی است. در واقع اهمیت بناهای تاریخی، آرامگاه ها و.. تا چه میزان در کتاب های درسی مورد توجه قرار گرفته است. تاریخ چند هزار ساله ی این سرزمین با بناهای به جا مانده و افتخارات علمی، ادبی، هنری و دینی که این سرزمین در خود داشته و دارد، عامل تعیین کننده و مهمی در ارتباط با میراث فرهنگی محسوب می شود که در نهایت شکل گیری هویت ملی را به دنبال خواهد داشت. از طرفی بناهای تاریخی در ایران به واسطه ی کم توجهی، روز به روز در حال فرسودگی هستند و این نیاز احساس می شود که پیش از آن که به طور کامل از بین بروند، شهروندان این سرزمین از وجودشان مطلع شده و از آن حداقل شناخت را کسب کنند. توجه به آداب و رسوم نیز از دیگر مؤلفه های مورد بررسی در پژوهش حاضر می باشد. رسوم، آدابی هستند که افراد جامعه در رفتارهای عادی خود اعمال می کنند. به عبارتی رسوم اجتماعی، رفتاری است که بر اثر تکرار فراوان و تثبیت کنش های متقابل اجتماعی فراهم می آید. کلیه ی آداب و رسوم، از سوی جامعه دارای ارزش و اهمیت یکسانی نیستند. آن دسته از آداب و رسومی که جامعه برای رفاه و نیکبختی خود ضروری می داند و تخلف از آن ها حیات جامعه را به خطر می افکند "سنن" نامیده می شود. سنن معمولاً بر اثر مذهب تقویت می شوند.

جدول شماره ۱- مؤلفه های میراث فرهنگی

بعد	شاخصه	مثال ممکن
زبان فارسی و اسطوره های ایرانی	زبان فارسی	داستان های شاهنامه، اهمیت زبان فارسی
	اسطوره ها	رستم، سهراب، آرش کمانگیر
نماد ها و مظاهر	نماد های ایرانی	پرچم، سرود ملی، لباس های اقوام، نقشه، خلیج فارس،
چهره ها و قهرمان ملی	چهره های ماندگار ایرانی	فردوسی، امیرکبیر، حافظ، سعدی، مولانا



قهرمانان ایران قبل از اسلام، جنگ تحمیلی و قهرمانان ورزشی	رزمندگان انقلاب - قهرمانان جنگهای قبل از اسلام- ورزشکاران ملی	
معماری ایرانی: مکانهای مذهبی تاریخی- آرامگاهها و معماری های ایرانی	حرم امام رضا- تخت جمشید- بیستون - آرامگاه شاعران- پزشکان - فیلسوفان ایرانی و معماری های دورههای مختلف	معماری
آداب- رسوم و جشن های ایرانی	اعیاد و مراسم ملی مانند سیزده به در - هفت سین- چهارشنبه سوری- عید نوروز و سایر اعیاد مذهبی از عید غدیر- فطر	آداب و رسوم

یافته های پژوهش

در ارتباط با مؤلفه های زبان پارسی و اسطوره های ایرانی به عنوان یکی از مؤلفه های میراث فرهنگی باید اذعان نمود که جهت ارائه ی این موضوع سعی شده از داستان های فردوسی به عنوان نماد ادبیات پارسی به صورت مستقیم و یا حتی توضیح درباره ی نگارنده ی این اثر و بعضاً سایر مفاخر زبان فارسی از جمله سعدی و حافظ توجه شود که البته بیشتر تأکید مؤلفان در کتاب فارسی (بخوانیم) جلی پیدا کرده، مربوط به فردوسی و شخصیت های اسطورهای آثار وی از جمله رستم، سهراب، زال و سیمرغ... آرش کمانگیر می باشد. در بخوانیم سال چهارم، صفحه ی ۱۲۲ نیز درسی با عنوان "آرش کمانگیر" آمده؛ این درس که برگرفته از اسطوره های پارسی است به جنگ ایرانیان و تورانیان اشاره دارد و نشان می دهد که قهرمان ایرانی، آرش کمانگیر با پرتاب تیری بسیار قوی، مرز ایران و توران را مشخص می کند و جان خود را نیز در راه وطن می دهد. نمادهای ملی دومین مؤلفه ای است که به آن پرداخته شده است. به طور قطع، نمادها و سمبل ها که دربردارنده ی زبان ملی به دلیل اهمیتش به طور مستقل نیز به عنوان یک مؤلفه جدا آمده است، نقشه، سرود ملی، لباس محلی و قومیت ها است، یکی از اصلی ترین ابعاد هویت ملی و میراث فرهنگی می باشد. به نظر می رسد بیشترین توجه مؤلفان کتاب های درسی به این موضوع به طور خاص (پرچم) بوده، به طوری که به مؤلفه های دیگر کمتر پرداخته شده است و نوعی عدم توازن دیده می شود. اگرچه پرچم، اصلی ترین نماد هر کشور می باشد؛ اما مؤلفان کتاب ها، تصویر پرچم را بارها به تصویر کشیده اند و چندین درس نیز به طور مستقل به محتوای شناخت پرچم اختصاص یافته است سرود ملی نیز مطرح است. حال این که برخی سمبل ها از جمله لباس های محلی قومیت ها اندک مواردی آن هم به صورت کمرنگ، لحاظ شده است. سومین مؤلفه؛ چهره ها و قهرمانان ملی می باشد. هر کشوری به چهره ها و قهرمانان ملی و ورزشی خود افتخار نموده و آنها را ارج می گذارد. کشور ما به عنوان کشوری با سابقه ی تاریخی، ادبی و سیاسی کهن، قهرمانان متعددی را دل خود پرورده است. به عنوان نمونه می توان از حکومت های جهانی و در پی آن حاکمان جهانی گرفته تا چهره های ادبی جهان از جمله حافظ، سعدی، مولوی و به ویژه



فردوسی و در نهایت قهرمانان رزم در جنگ های ایران باستان و همچنین دلیر مردان عرصه ی انقلاب و جنگ تحمیلی یاد نمود. می توان اظهار نمود که کمتر به قهرمانان قبل از اسلام پرداخته شده است. یکی از دلایل این امر می تواند ناشی از جهت گیری سیاسی برنامه ریزان درسی و همچنین جهت گیری دینی آن ها باشد. بنابراین در موارد معدود و به طور مختصر به قهرمانان ملی اشاره شده است. این موارد محدود می توان به کتاب فارسی درسی با عنوان "آریوبرزن" آمده اشاره نمود که چهره ی یکی از دلاورمردان دوره ی هخامنشی در مقابل اسکندر مقدونی است. این درس به دلاوری ها و رشادت های این دلاور مرد ایران دوره ی هخامنشی پرداخته است و نشان می دهد که تا آخرین لحظات زندگی، دلاورانه برای وطنش می جنگد. (فارسی بخوانیم، ۱۳۹۱، پایه پنجم ۱۳۷-۱۳۲)، در درس دیگری نیز به بررسی "سام و پسرش زال" به عنوان قهرمانان اسطوره های ایران می پردازد. در این درس به داستانی اسطوره های از زندگی زال و نحوه ی بزرگ شدنش می پردازد. در سایر موارد از چهره های ادبی از جمله فردوسی، سعدی و حافظ سخن به میان آمده که به دلیل بررسی آن در بعد مؤلفه های ادبی به آن پرداخته نمی شود. یکی از قهرمانان سیاسی که هم در قالب تصویر و هم به صورت مراسم و جشن های ملی به تصویر کشیده، حضرت امام خمینی (ره) می باشند. چهارمین مؤلفه ی مورد بررسی، به معماری و میراث تاریخی ایران می پردازد. در این مورد با ارائه ی تصویری از معماری قبل از اسلام ایران، از جمله تخت جمشید، آتشکده ها، بیستون و مواردی از این دست، همچنین آثار بعد از اسلام از جمله حافظیه، سعدیه، حرم امام رضا (ع)، آرامگاه فردوسی، سی و سه پل، مسجد شیخ لطف الله، برج آزادی، دروازه قرآن شیراز را نام می برد. در ارتباط با ارائه ی این مؤلفه، مؤلفه های دینی و ملی با هم آمده که مؤلفه ی دینی به صورت آشکاری پررنگتر نشان داده شده است و مؤلفه های باستانی کمرنگ تر نمایان شده اند. آخرین و به طور قطع مهمترین مؤلفه ی مورد بررسی میراث فرهنگی، آداب و رسوم و جشن ها می باشد که می توان آن را به دو گروه تقسیم نمود؛ یکی جشن ها و مراسم ملی از جمله عید نوروز، هفت سین، سیزده به در، چهارشنبه سوری و... دیگری جشن های مذهبی و دینی از جمله اعیاد شعبان، غدیر و قربان و... طبق بررسی های به دست آمده از این مؤلفه، می توان اظهار نمود که مراسم و رسوم و جشن های دینی مقدم بوده است. در بررسی این مؤلفه می توان به این موارد اشاره کرد: در کتاب فارسی سال دوم به جشن نوروز باستانی پرداخته و برخی از رسوم مربوط به آن ارائه شده است. روی هم رفته؛ موارد اندکی مشاهده گردید که به جشنهای ملی پرداخته شده باشد که به آن اشاره گردید. در سایر موارد به جشن های دینی توجه شده است. در واقع علاوه بر آموزش ها و مراسم مربوط به نماز، وضو، روزه و شیوه ی زندگی پیامبران و امامان معصوم، اغلب جشن های برشمرده شده، دینی بوده است. به عنوان مثال؛ این جشن ها عبارتند از: جشن نیمه شعبان، جشن نماز، جشن مبعث پیامبر (ص)، جشن تکلیف، جشن غدیر و غیره. همچنین از جشن های انقلابی از جمله جشن ۲۲ بهمن بحث به میان آمده است. آیین ها و مراسم ارائه شده بیشتر به دانش آموزان هویت دینی بوده است.

بحث و نتیجه گیری



مؤلفه های میراث فرهنگی و همچنین هویت ملی به صورت آشکار در برنامه های درسی و همچنین اهداف نظام آموزشی دوره های عمومی وارد شده است؛ منشا بسیاری از نگرش ها و تفکرهای انسان تصویربرداری و معنا سازی هایی است که از بدو تولد در خانه و ادامه آن در مدرسه می گیرد می توان به اهمیت دوره آموزش عمومی در شکل گیری هویت ملی به مثابه رکن شخصیت و متمایز کننده او از دیگران در دانش آموزان در همان دوره آموزش ابتدایی پی برد. تأکید کتاب های دوره ابتدایی بیشتر به میراث اسلامی بوده و در زمینه ی هویت ملی نیز بیشتر سعی بر آموزش هویت دینی یا بعد دینی هویت ملی بوده است و به ندرت آداب و رسوم ایرانی، جشن های ملی و اسطوره ها، چهره ها و مفاخر ملی در کتاب های درسی لحاظ شده است. این موضوع میتواند تضعیف هویت ملی دانش آموزان و عدم تعادل و هماهنگی را به دنبال داشته باشد. آموزش و پرورش کشور که با حضور میلیونی دانش آموزان در گسترده خود یکی از زیر بنایی ترین نهادهای کشور را به خود اختصاص داده است می بایست با نگاهی عمیق و سیستمی به پرورش جوانان بپردازد تا آن ها آمادگی روانی و رفتاری به منظور زندگی شهروندی تعلق و عشق بی میهن و زندگی افتخارآمیز در آن را در نزد خود پیروانند و تقویت نمایند. بنابراین لازم است با بازنگری محتوای کتاب های درسی دوره ابتدایی بسترهای توجه به ابعاد متنوع هویت ملی و زمینه توجه به رشد همه جانبه دانش آموزان را فراهم آورد. از این رو آموزش و پرورش کشور باید با دقت نظر و اعمال حساسیت بیش از پیش به تهیه و تنظیم محتوای کتب درسی به منظور ایجاد تغییر در دانش، نگرش و بینش دانش آموزان بپردازد تا این تغییرات در بلند مدت منجر به رفتارهای مطلوب آنان شده و بتواند در دانش آموزان اعتقادی را به وجود آورد تا هویت فردی و ملی خود را شناخته، بدان احساس دلبستگی و تعلق نموده و آن را پاس بدارند.

منابع

- رضایی، حسین، رمضانفر، حدیثه و قیصری، زهرا (۱۳۹۴)، رابطه ی استفاده از اینترنت .شکل گیری هویت ملی جوانان شهر همدان. مطالعات ملی.
- رضایی، احمد، منصوری، سیروس و عابدینی بلترک، میمنت (۱۳۹۰)، جایگاه برنامه درسی دانشگاهی در تقویت هویت ملی دانشجویان. مطالعات ملی
- شمشیری، بابک و نوشادی محمود رضا. (۱۳۸۶) بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره ی راهنمایی تحصیلی از مؤلفه های هویت ملی. شیراز فصلنامه مطالعات برنامه ی درسی.
- صالحی عمران، ابراهیم و شکیباییان، طناز (۱۳۸۶)، بررسی میزان توجه به مؤلفه های هویت ملی در کتاب های درسی دوره ی آموزش ابتدایی . مطالعات ملی.
- صادق زاده، رقیه و منادی مرتضی (۱۳۸۷)، جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب های درسی ادبیات فارسی و تاریخ دوره ی متوسطه: رشته ی علوم انسانی. نوآوریهای آموزشی.
- علیزاده اقدم، باقر، شیر، محمد و اوجاقلو، سجاد. (۱۳۸۹)، فصلنامه ی تحقیقات فرهنگی.
- قاسمی، حاکم. (۱۳۸۷)، همبستگی ملی در کتب درسی دوره ی ابتدایی (مورد مطالعه: کتب فارسی، مطالعات ملی.



- لقمان نیا، مهدی و خامسان؛ احمد. (۱۳۹۰). شناسایی مؤلفه های هویت ملی در برنامه های درسی بر اساس نظریه ی داده بنیاد. نوآوری های آموزشی.
- مهرمحمدی، محمود؛ کیانی، غلامرضا و خضری نژاد، مریم (۱۳۹۴). انگلیسی برای دانشجویان رشته ی برنامه ریزی درسی. تهران: سمت.
- تمام کتب فارسی دوره ابتدایی